

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۶/۱۴

موضوع: سخنرانی در مدرسه امام خمینی در روز مباحله

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله. الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوئیم و سپاس دیگر که به ما توفیق داد در این یوم الله العزیز روز مباحله در جمع شما گرامیان، حضرات، آیات، حجج اسلام، اساتید، فضلا، خواهران و برادران حضور به هم رسانیم.

من به نوبه خودم از همه دست اندرکاران این همایش بزرگ تشکر می‌کنم و از همه شرکت کنندگان هم به عنوان عضو کوچکی از بنیاد بین المللی غدیر تشکر می‌کنم.

در رابطه با مباحله سخن برای گفتن زیاد است. من می‌خواهم چند نکته را به صورت گزینشی خدمت شما بزرگواران عرض کنم و بعد اگر فرصتی داشتیم در رابطه با بعضی از قضایایی که در حوزه‌های علمیه و تلفاتی که چند سال اخیر می‌دهیم و اینکه وهابیت از این قضایا حداکثر سوءاستفاده را می‌کنند نکاتی را خدمت اساتید بزرگوار و شما گرامیان عرض می‌کنم.

در رابطه با آیه شریفه مباحله، آیه ۶۱ از سوره آل عمران عزیزمان حاج آقای «میرلوحی» نکاتی را فرمودند.

من ابتدا نکته‌ای را که ایشان خیلی تأکید داشتند بیان می‌کنم، اما می‌ترسم که وقت کم بیاورم و نتوانم حق مطلب را ادا کنم. خداوند متعال در آخر آیه بعد از آنکه می‌فرماید:

(فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ)

هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آن‌ها بگو:

(تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ)

بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آن گاه مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

سوره آل عمران (۳): آیه ۶۱

که همه ما را به نشر فرهنگ اسلامی و معارف اهل بیتی دعوت می‌کند. ما از این سیره نبی گرامی اسلام در حوزه نشر معارف دینی باید تمام تلاش خود را به کار ببریم و از هرگونه کوششی فروگذار نکنیم.

بعد از آنکه کارهای علمی و مناظرات و اقامه دلیل و برهان فایده‌ای نبخشید و طرف مقابل به لجوج بودن و عناد خود ادامه داد خداوند عالم راهکار دیگری را مطرح می‌کند که این راهکار دیگر بحث علمی نیست، بلکه فدا کردن جان و هستی در راه عقیده و ایمان است.

پیغمبر اکرم به دستور خداوند به نصاری نجران می‌فرماید: اگر واقعاً شما در عقیده خود پایبند هستید و خود را حق می‌دانید، حاضرید جان خود را فدا کنید؟! حاضرید هستی خود را فدا کنید؟! قرآن کریم سپس بحث مباحثه را مطرح می‌کند که آن هم برای ما پیام زیبایی دارد.

بحث مباحثه از معجزات اسلامی است که نه تنها در آیه ۶۱ سوره آل عمران، بلکه روایات متعددی از معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) داریم مبنی بر اینکه شاگردان و فضلاء خودشان را هم دستور نشر معارف دینی می‌دهند و هم تحدی به مباحثه می‌کنند.

«مرحوم شیخ مفید (قدس الله نفسه الزکیة)» متوفای ۴۱۳ هجری کتابی به نام «تصحیح الاعتقادات» یا «تصحیح اعتقادات الإمامیه» دارد.

معمولاً در کتاب‌های اعتقادی روایاتی مورد بحث قرار می‌گیرد که از قنطره‌های علم رجالی گذشته باشد و برای مؤلف کتاب به عنوان یک روایت قطعی و مسلم صادر شده از معصوم باشد. «شیخ مفید» می‌نویسد:

«و قال لطائفة من أصحابه بیئنا للناس الهدی الذی أنتم علیه»

امام صادق (علیه السلام) به طایفه‌ای از اصحاب خود فرمودند: برای مردم حقانیت مذهب شیعه که خودتان به آن پایبند هستید را بیان کنید.

«و بیئنا لهم [ضلالهم الذی هم علیه]»

گمراهی‌هایی که غیر شیعه بر آن هست را برایشان بیان کنید.

امام صادق ذیل سخن می‌فرماید: اگر ارائه سخن فایده‌ای نکرد و بحث علمی ثمره‌ای نداد؛

«و باهلوهم فی علی بن ابی طالب»

آنها را در مورد علی بن ابی طالب دعوت به مباحله کنید.

«فأمر بالكلام و دعا إليه و حث عليه»

تصحیح اعتقادات الإمامیة، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: درگاهی، حسین، ص ۷۱،

فصل فی النهی عن الجدال

این سه نکته «بینوا للناس الهدی الذی أنتم علیه»، «و بینوا لهم [ضلالهم الذی هم علیه]» و «و باهلوهم فی علی بن ابی طالب» نشانگر این است که امام صادق دستور می‌دهد آنها را به مباحله دعوت کنید و نگذارید ساده از کنار قضیه بگذرند.

اگر واقعاً اینقدر برای اعتقادات خودشان ارزش قائل هستند و بر معتقدات خودشان یقین دارند، آیا حاضرند جانفشانی کنند یا نه؟! نتیجه مباحله نابودی باطل و استمرار حق است.

«مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد ۲ صفحه ۵۱۳ روایتی را بیان می‌کند که روایت بسیار جالبی است و برای من بسیار شیرین است.

ما با وهابی‌ها بحث‌های زیادی داشتیم و بیش از ۲۴۰ جلسه با آنها در خاک عربستان مناظره داشتیم. همچنین سال ۱۳۸۲ به طائف رفتیم و با مفتی اعظم بالاترین مقام علمی عربستان سعودی بیش از یک ساعت مناظره کردیم. بنده بسیار متأثر می‌شدم وقتی که می‌دیدم انسان این همه دلیل اقامه می‌کنند و آنها جوابی هم ندارند، اما حاضر نیستند بپذیرند.

گاهی اوقات طرف مقابل شما در برابر ادله شما پاسخی دارد ولو پاسخ‌های بی‌اساس، اما گاهی اوقات طرف مقابل هیچ جوابی ندارد و حاضر نیست بپذیرد.

من خدمت سرور عزیزم حضرت آیت الله صدیقی عرض کردم و فایل صوتی آن را هم داریم. وقتی ما با مفتی اعظم بحث کردیم، ایشان در آخر کاملاً متوقف بود و هیچ جوابی نداشت. همچنین چندین تن از اعضای هیئت افتاء عربستان سعودی به او اعتراض کردند که چرا شما جواب نمی‌دهید؟! اما او حاضر نبود بپذیرد. در این روایت راوی «ابی مسروق» است. او خدمت امام صادق عرض می‌کند ما با مخالفین بحث می‌کنیم، ادله اقامه می‌کنیم، به آیه شریفه:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را.

سوره نساء (۴): آیه ۵۹

استدلال می‌کنیم،

«فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي أَمْرٍ السَّرَايَا»

می‌گویند که این آیه در رابطه با فرماندهان جنگی است.

ما به آیه:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يقيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آن‌ها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

استدلال می‌کنیم؛

«فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي الْمُؤْمِنِينَ!»

می‌گویند که این آیه در مورد مؤمنین نازل شده است.

ما به آیه شریفه:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»

بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

سوره شوری (۴۲): آیه ۲۳

استدلال می‌کنیم؛

«فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي قُرْبَى الْمُسْلِمِينَ!»

می‌گویند که این آیه در مورد نزدیکان مسلمین نازل شده است.

ما هر آیه‌ای از قرآن کریم برای حقانیت شما می‌آوریم، آن‌ها توجیهی دارند. امام صادق (علیه السلام) به نکته

ظریفی که مربوط به امروز ما و آیه ۶۱ از سوره مبارکه آل عمران است اشاره کردند. حضرت فرمودند:

«فَادْعُهُمْ إِلَى الْمَبَاهِلَةِ»

آن‌ها را به مباهله دعوت کنید.

این نکته، نکته بسیار ظریفی است و این روایت برای بنده بسیار آرام‌بخش است. بارها اتفاق افتاده است وقتی

که ما آن‌ها را دعوت به مباهله کردیم، هیچ کدامشان حاضر به مباهله نشدند.

«ابو مسروق» می‌گوید: من این فرمایش امام صادق را گرفتم. در همین روایت امام صادق روش مباحله را هم آموزش دادند و آداب و شرایط مباحله را آموزش دادند.

وقتی با آنها بحث می‌کردیم و آیات و روایاتی در حقانیت اهل بیت می‌آوردیم آنها نمی‌توانستند پاسخ بدهند یا توجیه می‌کردند، اما زمانی که به مباحله دعوت می‌کردیم آنها متوقف می‌شدند. راوی می‌گوید:

«فَوَاللَّهِ مَا وَجَدْتُ خَلْقًا يَجِيبُنِي إِلَيْهِ»

به خدا سوگند یک نفر از آنها حاضر نشد در رابطه با ولایت امیرالمؤمنین به مباحله حاضر شوند.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۵۱۳، ح ۱

بنابراین این قضیه، قضیه واضحی است و از معجزات اسلام است. در بسیاری از موارد آنها وقتی از روی لجاجت و عناد حاضر نیستند زیر بار حق بروند، یکی از راهکارها دعوت به مباحله است.

در «شبکه مستقله» عربستان سعودی که از لندن پخش می‌شد بزرگانی از شیعه همانند «دکتر عبدالزهر» و «دکتر تیجانی» و دیگران که با «عثمان الخمیس» بحث کردند آنها دعوت به مباحله کردند، اما طرف مقابل بهانه آوردند که مباحله باید در کنار بیت الله الحرام باشد.

آنها در آخر هم اعلام کردند که ما حاضر به مباحله نیستیم. شخصیت‌های برجسته وهابیت را هم روی آنتن آورده بودند.

بالاترین مقام علمی آنها همانند «عثمان الخمیس» و «عبدالرحمن دمشقیه» و دیگران که الآن برای خودشان به عنوان ایدئولیک وهابی مطرح هستند حاضر به مباحله نشدند.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

ثُمَّ نَبْتَهْلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

عزیزمان جناب آقای «میرلوحی» فرمودند که در اینجا مقداری بیشتر توقف کنید. در اینجا وارد شده است که ما لعنت را قرار می‌دهیم و از خدا نمی‌خواهیم.

در این قسمت از آیه شریفه وارد نشده است که «ندعوا الله ان يجعل لعنة الله على الكاذبين» و مراد از این آیه شریفه این است که جمع در دست ماست.

در رابطه با مقامات ائمه اطهار (علیهم السلام) سخن زیاد است که عزیزمان اشاره کردند. من به عزیزان توصیه می‌کنم از زیارات مطلقه امام حسین سلام الله علیه غافل نشوید.

«مرحوم محدث قمی» در کتاب «مفاتیح الجنان» غیر از زیارت مقیده همانند زیارت روز عاشورا، زیارت مبعث و دیگر زیارات چندین زیارت مطلقه تحت عنوان زیارت اول آورده است.

«مرحوم کلینی» این زیارت را آورده است، «شیخ طوسی» در کتاب «تهذیب الأحکام» این زیارت را آورده است، «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «من لا یحضره الفقیه» این زیارت را می‌آورد و می‌گوید: از میان زیارات امام حسین من این زیارت را انتخاب کردم؛

«لَأَنَّهَا أَصْحُ الزِّيَارَاتِ عِنْدِي مِنْ طَرِيقِ الرَّوَايَةِ وَ فِيهَا بَلَاغٌ وَ كَفَايَةٌ»

زیرا صحیح‌ترین زیارت امام حسین این زیارت است و در این زیارت هم گفتنی‌ها گفته شده است.

به تعبیر ما که می‌گوییم: گر در خانه کس است، یک حرف بس است! این زیارت ابتدا با سلام شروع می‌شود و سپس مقامات ائمه اطهار یکی پس از دیگری ردیف می‌شود.

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ»

تا آنجا که اوج مقام امام را با یک فراز ظریف بیان می‌کند. آن عبارت این است:

«إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ فِي بَيُوتِكُمْ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۵۹۶ - ۵۹۸، ح ۳۲۰۰

مشاهده کنید چقدر زیباست! آیا امام شناسی ما این است؟! اگر ما به زیارت امام رضا برویم و بگوییم ما را شفا

بده شرک است یا باید از امام رضا بخواهیم که از خداوند بخواهد؟!

قضیه بسیار فراتر از این است.

«إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ فِي بَيُوتِكُمْ»

در زیارت آل یاسین می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ذَلِيلَ إِرَادَتِهِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۳،

ص ۱۷۱، ح ۵

امام خمینی در «شرح دعای سحر»:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيئِكَ بِأَمْضَاهَا وَ كُلِّ مَشِيئِكَ مَاضِيَةٍ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۴،

ص ۳۷۰، ح ۱۶

تعبیری دارد و در آنجا دو روایت را کنار هم می‌گذارد. روایت اول حدیث تفویض و مشیت است که در کتاب «کافی» وارد شده است:

«خَلَقَ اللَّهُ الْمَشِيئَةَ بِنَفْسِهَا ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيئَةِ»

خداوند عالم مشیت را مستقیم آفرید و سپس همه اشیاء را با مشیت آفرید.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۱۱۰، ح ۴

سپس امام خمینی روایت امام صادق را مطرح می‌کند که حضرت فرمود:

«فهم ... قدرة الله و مشيئته»

المجلسي، محمد باقر _متوفای ۱۱۱۱ق_، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۵، ص ۱۷۴، تحقیق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

از این واضح‌تر بیان کنند؟! بازهم مرحوم امام خمینی در کتاب «مصباح الهداية» از اساتیدشان نقل می‌کنند:

«فالحقيقة المحمدية هي التي تجلّت في صورة العالم والعالم من الذرة إلى الذرة ظهورها وتجليها»

مصباح الهداية إلى الخلافة والولاية، نویسنده: السيد الخميني، ص ۵۷، باب نور ۲۰

معنای این روایت این است که هرچه در عالم می‌بینید ظهور و نمایش مقامات جلّیه محمدیه (صلوات الله عليهم اجمعين) است. «مرحوم اصفهانی» در کتاب «حاشیه بر مکاسب» در رابطه با بحث بیع فضولی تعبیری دارد که تعبیر بسیار ظریفی است.

«مرحوم حاج شیخ محمد حسن اصفهانی» یا «مرحوم کمپانی» - که به تعبیر «مرحوم آقا بزرگ تهرانی» می‌گوید: فهمیدن کلمات «مرحوم کمپانی» به سادگی امکان‌پذیر نیست. فهم کلمات ایشان چه در «اصول»، چه در «حاشیه بر کفایه»، چه در «حاشیه بر مکاسب» به سادگی امکان‌پذیر نیست. ایشان در صفحه ۲۱۲ تعبیری دارد که تعبیر زیبایی است. ایشان هم فقیه است، هم اصولی است، هم فیلسوف است و هم عارف است. ایشان می‌فرماید:

«لهم الولاية المعنوية و السلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية و التشريعية»

حاشیه کتاب مکاسب، نویسنده: اصفهانی، محمد حسین کمپانی، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۳۳۷

حاج آقای «میرلوحی» کافی است؟! دیگر از این واضح‌تر و روشن‌تر بیان کنیم!؟

«لهم الولاية المعنوية و السلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية و التشريعية»

انشاءالله به برکت روز مباحله نسبت امام شناسی و مقامات امام تجدیدنظر کنیم. بعضی از مطالبی که بعضاً توسط بعضی از اساتید ناآگاه به مقامات ائمه مطرح می‌کنند را کنار بزنیم.

بنده در مورد بحث علم امام معصوم نکته‌ای از امام خمینی به ذهنم آمد که حیفم می‌آید آن را عرض نکنم. در کتاب «مصباح الهدایة» وارد شده است که علم امام به عالم هستی از علم عالم هستی بر خودش قوی‌تر و نافذتر است.

بالاترین علم، علم حضوری است. علم امام به ما از علم ما به خودمان به مراتب قوی‌تر است. بعضاً چیزهایی از زاویه ذهن ما می‌گذرد که به آن توجه نداریم، اما امام به آن توجه دارد.

در کتاب «بحار الانوار» جلد ۵۳ وارد شده است که در توقیع حضرت ولی عصر به «شیخ مفید» وارد شده است:

«فَإِنَّا يَحِيْطُ عِلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۳،

ص ۱۷۵، ح ۷

این تعابیر، تعابیر بسیار ظریفی است که ما باید به آن دقت کنیم. معنای (فَتَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) این است که جبر دست ماست، نه اینکه از خدا بخواهیم. فرقی نمی‌کند، زیرا هرچه دارند از خدا دارند و هرکاری می‌کنند به اذن الله می‌کنند.

(وَ مَا تَشَاؤُنْ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ)

و شما چیزی را نمی‌خواهید مگر اینکه خدا بخواهد.

سوره انسان (۷۶): آیه ۳۰

قلوب آنها مرکز ریزش اراده الله است و به تعبیر امام آنها مشیة الله هستند در مقام رحمانیت و رحیمیت.

نکته دیگر در رابطه با قضیه مباحله به ویژه کلمه (وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ) باید بگوییم که در کتب اهل سنت به ویژه «صحیح مسلم» روی این قضیه بسیار کار شده است.

در این کتاب وارد شده است که وقتی این قضیه را مطرح می‌کند، علی رغم اینکه در کتب «صحیحین» تلاش شده است فضائل اهل بیت (علیهم السلام) آنگونه که هست مطرح نشود.

مشاهده کنید حدیث غدیر که بیش از صد و بیست صحابی آن را نقل کرده‌اند، در سراسر «صحیح بخاری» حتی اشاره و کنایه نامی از آن برده نشده است.

در کتاب «صحيح مسلم» جلد چهارم صفحه ۱۸۷۳ آورده است و ای کاش مسلم هم این روایت را نیاورده بود. بهتر بود او این روایت را نمی‌آورد و همانند «بخاری» از کنار آن رد می‌شد.

در این کتاب از قول «زید بن ارقم» نقل شده است که پیغمبر اکرم در منطقه جحفه بلند شد و سخن گفت و حرف‌های زیادی فرمودند و موعظه و نصیحت کردند و فرمودند:

«وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ أَوْلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَىٰ وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ فَحَثَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَعَبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ وَأَهْلُ بَيْتِي أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۴، ص ۱۸۷۳، ح ۲۴۰۸

رسول اکرم بین نماز ظهر و عصر علی الأقل دو ساعت و نیم سخنرانی فرمودند و به قول ایشان از هیچ چیزی فروگذار نکردند. از میان حوادث آینده مطالبی باقی نماند که حضرت به آن گوشزد نکرده باشد، اما خلاصه آن چنین شد:

«وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ أَوْلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَىٰ وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ فَحَثَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَعَبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ وَأَهْلُ بَيْتِي»

بنده در هیچ جا ندیدم که ایشان این عبارت را از کجا آورده است.

«أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي»

ظاهراً ایشان هم این روایت را نقل به معنا کرده است. همین تکرار «أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي» رسول اکرم این شد که نگذاشتند نبی گرامی اسلام دفن شود و در سقیفه آن بساط را به پا کردند.

هنوز آب غسل نبی اکرم خشک نشده بود که به منزل حضرت صدیقه طاهره حمله کردند و آن فجایع را آفریدند. همچنین نسبت به امیرالمؤمنین، امام حسن مجتبی، حضرت سیدالشهدا آن خیانت‌ها را مرتکب شدند.

اگر پیغمبر اکرم سه مرتبه **«أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي»** را نفرموده بودند، آن‌ها چه کاری می‌خواستند بکنند؟! اگر پیغمبر اکرم به این کار دستور اکید داده بود و خداوند عالم ظلم به اهل بیت را واجب کرده بود، آیا بیش از این کاری می‌توانستند کنند؟!

«مسلم» قضیه مباحله را در کتاب «صحیح» خود حدیث ۶۱۱۴ مطرح می‌کند که رسول اکرم دست امیرالمؤمنین، حضرت صدیقه طاهره، امام حسن و امام حسین را گرفت و برای مباحله برد.

جالب اینجاست که «ابن کثیر دمشقی سلفی» شاگرد خلف «ابن تیمیه» متوفای ۷۷۴ هجری کتاب «تفسیر» دارد و اهل سنت هم به کتاب «تفسیر ابن کثیر» عقیده دارند.

آنچه را که «طبری» و «ابن ابی حاتم» و دیگران در رابطه با تفسیر آوردند، «ابن کثیر» تفاسیر گذشته یعنی تفسیر آیه به حدیث را ملحق و منقح کرده و در این کتاب تفسیر خود ملخص کرده است.

او در همان ابتدای جلد دوم صفحه ۵۵ می‌گوید: قضیه حضور امیرالمؤمنین، حضرت صدیقه طاهره و حسین در مباحله صحیح است و «حاکم نیشابوری» هم صحت آن را امضاء کرده است و مراد از **(وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ)** حضرت صدیقه طاهره است، مراد از **(أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ)** حسن و حسین است و مراد از **(وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ)** هم حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است.

از یک سلفی که تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا فضائل اهل بیت را مخفی کند گفتن چنین حرفی خیلی بعید است. البته بنده معتقدم که این‌ها از معجزات اهل بیت (علیهم السلام) است.

علی رغم تلاش‌هایی که دشمنان انجام دادند از قبیل اینکه احادیث را سوزاندند، کسانی که فضائل اهل بیت را نقل می‌کردند کتک زدند و دست و پای کسانی مانند «عبدالله بن مسعود» را شکستند و در زندان انداختند؛ با تمام این قضایا روایاتی که از اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده است، جز معجزه اهل بیت چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

با وجود آنکه استاد او «ابن تیمیه» در هر جا بحث مباحثه را رد می‌کند و ادعا می‌کند که اصلاً آیه‌ای در مورد علی بن ابی طالب نازل نشده است! تمام این‌ها دروغ است! رافضی‌ها آن را ساختند و از جعلیات رافضه است، «ابن کثیر» در اینجا به صراحت این را مطرح می‌کند.

جالب اینجاست که «حاکم نیشابوری» در اینجا ادعای تواتر می‌کند. دوستان عزیز تواتر از دیدگاه اهل سنت نازل به منزله آیه قرآن است. همانگونه که اگر کسی آیه قرآن را انکار کند کافر است، اگر حدیث متواتر را هم انکار کند کافر است. «ابن تیمیه» به صراحت می‌گوید:

«مَنْ أَنْكَرَ مَا ثَبَّتَ بِالتَّوَاتُرِ وَالْإِجْمَاعِ فَهُوَ كَافِرٌ»

کتاب: مجموع الفتاوی، المؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفی: ۷۲۸ هـ)، المحقق: أنور الباز - عامر الجزار، الناشر: دار الوفاء، الطبعة: الثالثة، ۱۴۲۶ هـ / ۲۰۰۵ م، ج ۱، ص ۱۰۹، باب مسألة: من یمنع الإستغائة بالنبی

در رابطه با قضیه مباحثه «حاکم نیشابوری» در کتاب «معرفة علوم الحديث» جلد اول صفحه ۵۰ ادعای تواتر می‌کند.

نکته ظریفی که در رابطه با مباحثه وجود دارد، این است که «زمخشری» یکی از استوانه‌های تفسیری اهل سنت و صاحب کتاب «کشاف» که کتاب تفسیر ادبی اهل سنت است و بزرگان شیعه هم عنایتی به این کتاب دارند

ایشان در جلد اول «تفسیر کشف» جلد اول صفحه ۳۹۷ قضیه مباحله و حضور حضرت امیرالمؤمنین، حضرت صدیقه طاهره و حسنین را مطرح می‌کند و می‌نویسد:

«وفیه دلیل لا شیء أقوى منه علی فضل أصحاب الکساء علیهم السلام»

ما دلیلی قوی‌تر از مباحله در فضیلت اصحاب کساء (علیهم السلام) نداریم.

الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل، اسم المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشری الخوارزمی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، تحقیق: عبد الرزاق المهدي، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۷۱

تا اینجا دوستان دقت کردند، حال بینیم دست‌های خیانتکار یا به تعبیر طعنه زننده «علامه امینی» دست‌های امانتکار چه کار کردند.

«ابن قیم» شاگرد «ابن تیمیه» و ناشر افکار «ابن تیمیه» تلاش می‌کند به نوعی روی قضیه مباحله سرپوش بگذارد. او در کتاب «جلاء الأفهام» صفحه ۲۶۴ می‌گوید:

«دعا النبی فاطمة وحسنا وحسینا وخرج للمباحلة»

جلاء الأفهام فی فضل الصلاة علی محمد خیر الأنام، اسم المؤلف: محمد بن أبی بکر آیوب الزرعی أبو عبد الله، دار النشر: دار العروبة - الكويت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثانية، تحقیق: شعيب الأرنؤوط - عبد القادر الأرنؤوط، ج ۱، ص ۲۶۴، فصل واما الذرية فالکلام فیها فی مسألتین

مشاهده کنید که او هیچ نامی از امیرالمؤمنین نیاورده است. کار دیگری که بعضی دیگر همانند «آلوسی سلفی» متوفای ۱۲۷۰ انجام دادند این است که در کتاب «تفسیر» جلد ۳ صفحه ۱۹۰ می‌نویسد:

«لما نزلت هذه الآية جاء بأبی بکر وولده وبعمر وولده وبعمر وولده وبعثمان وولده وبعلی وولده»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین
السید محمود الأوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۳، ص ۱۹۰، باب آل
عمران: (۶۱) فمن حاجک فیه... ..

این هم شاهکاری است که آقایان ارائه می‌دهند! آیا با کدام دلیل و با کدام سند کدام صحابی نقل کرده است
کاری ندارند، بلکه تنها می‌خواهند شبهه را مطرح کنند تا فضائل امیرالمؤمنین کنار برود.

از این دست قضایا در رابطه با مباحثه زیاد داریم. به دلیل اینکه فرصت کم است، بنده در پایان می‌خواهم چند
نکته را در چند دقیقه مطرح کنم و توصیه‌هایی را به عزیزان و فرزندانم دارم.

دوستان عزیز! هجمه‌ای که امروز بر مذهب اهل بیت و شیعه است، در طول تاریخ بی‌نظیر بوده است. در حال
حاضر به تعبیر مقام معظم رهبری فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است.

من از سروران و مدیران حوزه‌های علمیه به ویژه عزیزم و نور چشم و سرورم حضرت آیت الله العظمی صدیقی
که شرف حضور دارند، تقاضا دارم عده‌ای را مسئول کنند تا فضای مجازی رصد شود و مشخص شود دشمنان در
فضای مجازی چه کار می‌کنند. ما به مسجد و حسینیه می‌رویم و با صد یا دویست یا پانصد نفر صحبت می‌کنیم،
اما آن‌ها در فضای مجازی کانال‌ها و گروه‌هایی تشکیل می‌دهند که جمعیت میلیونی حرف‌های آنها را می‌شنوند.

ما صحبت می‌کنیم و مخاطبین ما نیم ساعت صحبت‌های ما را گوش می‌کنند و می‌روند، اما در فضای مجازی
این شبهات در این جعبه جادویی می‌ماند و دوباره به همان شبهه مراجعه می‌کنند. تلفاتی که ما در طول این
چند سال اخیر دادیم اعلان خطری از طرف دشمنان برای حوزه‌های علمیه است.

حضرت آیت الله صدیقی! رفتن آقای «حسین المؤید» به طرف وهابیت سبب شد که وهابیت از این اقدام موج علیه شیعه ایجاد کردند. او کسی بود که قم درس خارج داشت. چرا او وهابی متشدد شد و در حال حاضر هر هفته در رسانه‌های بین المللی برنامه دارد؟!

همچنین آقای «موسوی» که از حوزه علمیه تهران رفت، وهابی شده است و غالب شبها در شبکه‌های وهابی علیه شیعه برنامه دارد و وهابی‌ها از او علیه شیعه موج ایجاد کردند.

او مرتب با طلبه‌هایی که هم مدرسه و هم حجره و رفیق بودند تلفنی تماس می‌گیرد، آن‌ها را ضبط و پخش می‌کند و طلبه‌ها را به فرقه وهابیت دعوت می‌کند. این وقایع برای ما اعلان خطر است. ما در کنار بحث‌های فقهاتی نسبت به مباحث اعتقادی کاربردی باید کار کنیم.

وهابیت مرتب مقایسه می‌کنند و می‌گویند که شیعه اینطور می‌گوید و اهل سنت اینطور می‌گوید. متأسفانه ما بحث‌های اثباتی را داریم، اما بحث‌های سلبی و هجمه‌ای را نداشتیم و به بهانه اینکه شاید به وحدت یا تقریب ضربه بزند معمولاً ملاحظه کاری می‌کنیم.

بنده بارها گفتم که ما باید طلبه‌های خود را در سه محور مجهز کنیم. بحث تبیین همان که ما انجام می‌دهیم استدلال قوی از آیات و روایات بر حقانیت اهل بیت (علیهم السلام).

اگر از یک طلبه در ماشین یا قطار یا هواپیما سؤال کردند که شما دو دلیل از قرآن و سنت با ذکر جلد و صفحه برای حقانیت امیرالمؤمنین مطرح کنید، طلبه ما باید آمادگی داشته باشد تا همانند حمد و سوره چندین آیه و حدیث را با ذکر جلد و صفحه مطرح کند.

همچنین اگر شبهاتی مطرح می‌شود، ما باید در حوزه دفاعی کار کنیم و شبهه زدایی داشته باشیم. بحث افشاگری و بیان‌گری بدانیم و همانگونه که حقانیت اهلیت را بیان می‌کنیم طبق روایتی که از کتاب «تصحیح اعتقادات» عرض کردم؛

«و بینوا لهم [ضلالهم الذی هم علیه]»

فحش دادن و اهانت حرام است، اما تبیین بطلان وهابیت برای ما واجب است. این دستور امام صادق سلام الله علیه است. ما باید ببینیم که آن‌ها برای اثبات خلافت دیگران چه ادله‌ای دارند.

من از اساتید تقاضا می‌کنم کتاب «شرح مقاصد» اثر «تفتازانی» را ببینند. او ابتدا ادله شیعه را یکی پس از دیگری رد می‌کند و سپس ادله خود را می‌آورد.

«عضدالدین ایجی» به همین شکل در کتاب «المواقف» مطالب را بیان می‌کند و شاگرد او «جرجانی» در «شرح المواقف» همین روش را پیش می‌گیرد.

ما باید این مسائل را برای طلبه‌های خود هم در حوزه تبیین، دفاع و هجمه مطرح کنیم. اگر وهابیت بیست سؤال و شبهه مطرح می‌کنند، ما باید توانایی داشته باشیم تا دویست سؤال و شبهه مطرح کنیم.

بنا به فرمایش مقام معظم رهبری ما انفعالی عمل نکنیم، بلکه تهاجمی عمل کنیم. من از همه عزیزان و سرورانم به خاطر این همایش بزرگی که تشکیل دادند، تشکر می‌کنم. امیدوارم این کارها ذخیره‌ای باشد برای روزی که قرآن کریم می‌فرماید:

(يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ)

در آن روزی که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد.

سوره شعراء (۲۶): آیه ۸۸

به ویژه از عزیزان هیئت مدیره بنیاد بین المللی غدیر و در رأس آن از سرور عزیزمان حضرت آیت الله صدیقی هم تشکر می‌کنم.

ان شاءالله این جلسات نقطه عطفی برای اساتید و طلبه‌ها و فضلاء ما باشد که مقداری عالم به زمان خود باشیم تا شبها بر ما ملتبس نشود.

خدایا به آبروی حضرت امیرالمؤمنین، حضرت صدیقه طاهره، حسنین و رسول اکرم تو را سوگند می‌دهیم هرچه سریع‌تر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم بیوشان و ما را از یاران ویژه‌اش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت ولی عصر متصل نما. خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار. خدایا به آبروی خمسه طیبه حوائج همگان و حوائج جمع ما را برآورده نما.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهدا، صدیقین بالأخص امام راحل و دو یادگارش صلوات غرائی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته